



۲۰۱۹/۱۰/۱۲



م، نعیم بارز

## کمرنگی انتخابات بهتر است،

### از سیاه رنگی صلح طالبانی!



روند انتخابات میتود و روش دیموکراسی و نظام جمهوریست که در مقایسه با سیستم سیاسی اجتماعی مذهبی، کمونیستی و هر نوع نظام های دیکتاتوری، درستی نسبی و حقانیت آن در آزمون تاریخ به ثبوت رسیده و مردم افغانستان در چهل سال اخیر همه را تجربه نموده اند. از شعار های نان، لباس و خانه، نه تنها چیزی به مردم نرسید بلکه لقمه نان خشک، لباس مندرس و خانه گلی و جان صد ها هزار انسان بی گناه هم گرفته شد. جهادی های فی سبیل الله و مدافع عدالت اسلامی آنچه از پیروان دولت شوروی سابق و تجاوز ارتش سرخ بر جا مانده بود به تاراج بردند، شهر کابل و کابلی های که توان فرار را نداشتند در جنگ قدرت بین حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و جمعیت اسلامی احمد شاه مسعود و دیگران با خاک و خون یکسان شدند.

نقد تحلیلی مقایسوی.

انهای که قبل از بر گذاری انتخابات ۶ میزان ۲۰۱۹ از اولویت صلح و در مخالفت با انتخابات سخن گفتند، معلوم بود که همه جنگ سالاران از قدرت سیاسی دور مانده از «مذاکره صلح» زلمی خلیل زاد نماینده دولت امریکا با طالبان، استقبال کردند، مگر دانسته و یا نا دانسته خواهان چنان صلح کذایی طالبی بودند که مردم از یاد آوری تجربه پنج سال گذشته حاکمیت آنها، تا هنوز به خود می لرزند. حتی آقای کرزی با دیگران دسته جمعی به در بار روسیه رفته و به آرزوی وساطت به ایران و قطر سر زدند و با آنکه در مدت ده ماه امریکا و گروه طالبان به آن صلح دروغین نرسیدند، صلح خواهان، راه قانونمند و منطقی انتخابات را به دلیل نا مساعد بودن اوضاع و با گفتن اینکه طالبان نمی گذارند انتخابات صورت گیرد، مردم نباید جان شان را به خطر اندازند. انتخابات ۶ میزان را زیر سوال برده و بسیار مردم را از شرکت در رایدهی متردد و مایوس ساختند.

تا جائیکه احساس می شد قبل از آغاز انتخابات، امریکایی ها نیز چندان علاقمند به انتخابات و تبارز یک شخصیت ملی در راس دولت افغانستان نبودند زیرا نمی خواستند یک شخصیت آگاه ملی تبارز کرده که گاهی در برابر خواست ها و برنامه های شان در دفاع از منافع ملی خود سر پیچی و مخالفت نماید.

برای روشن شدن این مسئله بر می گردیم به سال ۲۰۰۱ پس از سقوط رژیم طالبان و بوجود آمدن اداره موقت و بعد دولت متشکل از جنگ سالاران که حمایت دولت امریکا و بعضی دولت های منطقه را با خود داشتند و آقای کرزی حتی با کسانیکه موافق نبود ناگذیر بود به تقسیم قدرت با آنها تن دهد و الا نمی توانست به قدرت برسد و یا یک روز بتواند ریاست نماید.

با این حال در همه زمینه ها هر روز از داخل و خارج اختلافات تشدید شده و یک حالت انارشی همه نهاد های دولت را فرا گرفت.

رهبران دولت های بزرگ جهان با وجود آنکه همواره در دفاع از آزادی و دیموکراسی سخن گفته اند اما بنابر فرهنگ استعماری و خصلت اخلاقی بر جا مانده از گذشتگان شان تا جائیکه دیده شده آنگاه که پای منافع حزبی و ملی شان در نظر بوده، آزادی و منافع ملی کشور دیگری برای آنها ارزش و اهمیتی نداشته. مثلاً با نگاهی به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ که دوره اول ریاست جمهوری آقای کرزی پایان یافته بود و برای بار دوم کاندید ریاست جمهوری بود، در آن وقت آقای یونس قانونی رئیس ولسی جرگه و آقای عظیمی رئیس ستره محکمه و مرحوم عزیز لودین رئیس کمیسیون مستقل انتخابات و کای آیدی نماینده سازمان ملل متحد و ریچارد هالبروک نماینده دولت امریکا در امور افغانستان و پاکستان بودند.

یکی از موارد اختلاف اساسی میان کرزی و امریکایی ها در جنگ با طالبان این بود که امریکایی ها برای سرکوب آنها در خاک افغانستان بیشتر از نیروی هوایی کار می گرفتند که مسلماً تلفات افراد ملکی افغان را به همراه داشت و کرزی بار ها به امریکایی ها می گفت: تروریست ها در خاک پاکستان تربیه و تجهیز شده به افغانستان فرستاده می شوند و می باید فشار لازم بر دولت پاکستان آورده شود تا از تروریست پروری و عملیات تروریستی در خاک افغانستان دست بردارد، اما امریکایی ها حتی بعد از ایجاد نه پایگاه نظامی و پیمان استراتژیک با افغانستان هیچگاه پاکستان را تحت فشار لازم قرار ندادند و برعکس تا کنون بیش از سی و سه میلیارد دالر به آن کشور کمک نموده اند.

گذشته از مخالفت های کرزی به عملکرد نیرو های نظامی امریکا مبنی بر بمباردمان مناطق ملکی و تلاشی خود سرانه خانه های مردم و زد و بند انجو ها با اشخاص سوی استفاده جو در دولت و نزدیک به مقامات دولت، چون برادران کرزی، برادر مارشال قسیم فهیم و برادران احمد شاه مسعود، عطا محمد نور والی بلخ و غیره. اما به آن گوش فرا داده نشده و بدین ترتیب گفته می شود هشتاد درصد پول های کمک شده بنام باز سازی افغانستان سوی استفاده شده و به حسابات شخصی قرار دادی ها، مالکین فابریکات تولید سلاح و شرکت های خرید و فروش تجهیزات نظامی در بانک های خارج انتقال گردیده که بدینگونه فساد گسترده ای دولت و کشور را فرا گرفت.

خلاصه در اثر اختلافات مهمی که میان کرزی و امریکایی ها در پنج سال دوران اول ریاست جمهوری وی به وجود آمده بود، امریکایی ها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ نمی خواستند بار دیگر کرزی به پیروزی برسد.

اینک به استناد کتاب کای آیدی مترجم انگلیسی به فارسی محترم دوکتور سید عبدالله کاظم، نکات چندی از آن را یاد آور شده و به بحث می‌گیریم:

از بخش سوم صفحه اول کتاب کای آیدی گفت: «اینکه چرا انگلیس‌ها با ده هزار نیروی نظامی موفق نبودند و چرا مخالفان مسلح بعد از آنکه قوای برتانوی به آنجا آمدند، قوی‌تر شدند، نه ضعیف‌تر، سوالیست که طرح می‌گردید و رئیس‌جمهور کرزی بر آنها شک داشت»

در آن وقت تبصره بود که برتانوی‌ها به طالبان و زمین‌داران گفته بودند ما به کشت کوکنار و تولید تریاک تان کاری نداریم در عوض شما هم فقط به نیروهای ما آسیب نرسانید. بعد ها شایع شد که خود انگلیس بوسیله طیارات مواد مخدر را به کشور های دیگر انتقال می‌دهند.

در فصل پانزدهم صفحه سوم پراگراف اول کتاب راجع به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ آمده است که: «در موضوع شخص جانشین کرزی، ریچارد هالبروک نماینده امریکا نتوانست از کسی نام ببرد و کای آیدی می‌گوید: او حق بجانب بود و من نیز به همان نظر بودم که واضحاً هیچ‌کاندیدی نبود که جانشین کرزی شده بتواند» پراگراف دوم: «جامعه‌ای بین‌المللی کرزی را چنان با انتقاد و کم‌عزتی هدف قرار داده بود که نظیر آن را هیچ‌گاه در جای دیگر ندیده بودم.

او متحمل فشار های گردیده بود که دلیل آن را ما نمی‌دانستیم، تلفات ملکی موجب نگرانی و تحقیر او شد، وقتی که او حوادث را بیان میکرد، شرکای بین‌المللی از او می‌خواستند که موضوع مخالفت خود را پشت در های بسته برای شان بگوید. سیاست مداران نخبه بین‌المللی هیچگاه انگشت را در جهت از بین بردن جنگ سالاران قدیم و دلالتان قدرت که هیچ‌علاقمندی به اصلاحات و حکومت داری خوب نداشتند، دراز نکردند، آنها کرزی را در ارتباط با فساد زیر انتقاد می‌بردند و اما با عقد قرار داد ها با افغان های مشهور و فساد پیشه ادامه می‌دادند. اینجا یک ریا کاری بود که کرزی را عصبی و ناراحت می‌ساخت و هر روز به این ناراحتی او افزوده می‌شد»

فصل شانزدهم صفحه اول پراگراف اول: «کرزی مجبور بود قوا و گروپ های داخل حکومت را بر مبنای رضایت جناح های مختلف متوازن سازد، اگر او در اینکار دست آزاد می‌داشت، حکومت او ممکن دارای شکل متفاوت می‌بود، ولی او نمی‌توانست واقعیت های سیاسی زندگی سیاسی افغان ها را نادیده گیرد.

قسمت چهارم، اختلاف نظر در داخل اداره او با ما در مورد افغانستان و پدی اشداوان (P'Ashdown) گفته شده وقتی او با ما، کای آیدی را که دوست و همکارش در بالقان بود بحیث نماینده خاص سر منشی ملل متحد به افغانستان مقرر و فرستاد تا همکاری بریتانیا و امریکا بیشتر گردد. اشداوان را حکومت افغانستان پذیرفت و بجای وی کای آیدی بحیث نماینده خاص سر منشی ملل متحد در افغانستان مقرر گردید. (در زمان ماموریت اشداوان بود که کشت کوکنار و تولید تریاک در قندهار زیاد گردید و به همین نسبت کرزی او را برکنار نمود و در عوض وی به تقرر کای آیدی موافقه کرد) این کار در آغاز کار بین ریچارد هالبروک و کای آیدی یک نوع نزاکت و اختلاف را ایجاد کرد تا بجای کرزی شخص دیگری در انتخابات ریاست جمهوری موفق شود، در حالیکه مقامات نظامی امریکا بسیار طرفدار این کار نبودند و فکر می‌کردند که احتمال برنده شدن کرزی در انتخابات زیاد است و لذا با آوردن فشار و نیز با رعایت بعضی خواسته های کرزی می‌شود همایش روابط خوب برقرار کرد. چنانچه مک کریستال قوماندان قوای امریکایی بعداً با کرزی روابط خوب برقرار کرد»

کای آیدی می گوید» به تاریخ ۱۹ فبوری چند روز بعد از ملاقات با هالبروک در خانه سفیر امریکا در کابل من رابرت گیتس Robert Gates را در کراکو پولند دیدم وزرای دفاع تمام ممالک عضو آیساف ملاقات داشتند و سکرتر جنرال ناتو عادتاً من را هم در چنین مراسم دعوت می کرد، من خواستم با رابرت گیتس برای چند دقیقه تنها صحبت کنم، سوالات من بسیار ساده بود: «آیا او خبر داشت از کار روایی های هالبروک؟ آیا آن همه چیز ها بر طبق پالیسی اداره جدید ایالات متحده می باشد؟ آیا آنها در تلاش بر طرف ساختن کرسی بودند؟ برای گیتس مسایل کار روایی های هالبروک تعجب آور بود، بدون شک اداره او با ما از کرسی دوری می جست و می خواست تا کرسی بفهمد که آن روابط گرم زمان بوش دیگر نخواهد بود.

اداره او با ما واضحاً کرسی را بسیار نزدیک با خود نداشت. این رویه اداره جدید امریکا توجه همه را در رسانه های افغانستان و هم در مدیای بین المللی به خود معطوف ساخت. این کار بر کرسی اثر گذاشت و نارضایتی در قصر ریاست جمهوری کابل در حال تزیید بود»

در کابل بر داشت بر این بود که جو بایدن و هالبروک همراه با سناتور گراهام مسئولیت این تشدید روابط را داشتند. صفحه ۵ هالبروک گفت: «چه کسی انتخاب خوب خواهد بود که در سال ۲۰۰۹ جانشین کرسی شود؟ او یکی از وزرای کابینه کرسی حنیف اتمر را یاد آور شد، ولی نظر این بود که یقین نداشتند او بتواند با کرسی مقابله کند. در ملاقات با هالبروک اتمر از رقابت با کرسی معذرت خواسته بود. در روز ها و هفته های بعدی این آوازه شنیده می شد که هالبروک بعضی از سیاستمداران را تشویق نموده تا به مقابل کرسی بر خیزند، در این خبر ها وزرا و بعضی از سیاستمداران مخالف هم شامل بودند.

نماینده سازمان ملل در یک صحبت غیر رسمی با ضیا مسعود به مسعود شوخی کرده گفته من ممکن تنها کسی در کابل باشم که ریچارد هالبروک از من دعوت نکرده که مقابل کرسی ایستادگی کنم»

«در انتخابات ۲۰۰۹ یک جدال دیگر نیز موجب اختلال خاطر رئیس جمهور گردید و آن ابراز نظر بعضی نمایندگان امریکایی و اروپایی مبنی بر ضعف توانایی کرسی در پیش برد امور حکومت، آنها به این بهانه می خواستند تا یک مقام دیگر را همچو صدر اعظم یعنی مسئول روز مره حکومت به وجود آورند. از آنجائیکه رئیس جمهور در عین زمان ریاست حکومت را نیز به عهده دارد و تعیین صدراعظم یا وزیر ارشد در قانون اساسی افغانستان پیش بینی نشده است، لذا باید یک بدیل دیگر برای آن پیدا شود.

اوراق و نظریات فراوان در زمینه در کابل و همچنان در پای تخت های غربی در جریان افتاد که یک مقام ارشد اجرایی باید ایجاد گردد، حتی یک وزیر خارجه اروپایی خودش یک پیشنهاد تحریر مستقیم به کرسی ارائه کرد. بعضی پیشنهاد ها حاکی از آن بودند که صلاحیت عزل و نصب والی ها و سائر مامورین کلیدی حکومت از رئیس جمهور سلب گردد، واضح بود که کرسی در برابر آن عکس العمل می کرد و او همچو پیشنهاد را یک نمونه دیگر مداخله بوسیله جامعه بین المللی می دانست که به هدف تضعیف او بکار می رود.

کای آیدی گفته: کرسی این موضوع را با من چند بار مطرح کرد، من این پیشنهاد ها را بیهوده و مضر می دانستم. این وظیفه ما نبود که حکومت افغانستان را سازماندهی مجدد کنیم یا قدرت رئیس جمهور را محدود سازیم، این پیشنهاد ها چندان قابلیت توجه را نداشتند و تنها موجب رنجش مزید کرسی از شخصیت های مهم بین المللی می شدند.

**قسمت هفتم. انگیزه مخالفت گالبرایت با کرسی!**

«بنظر بعضی آگاهان ریشه اصلی مخالفت گالبرایت معاون کای آیدی با حامد کرزی در دومین انتخابات ریاست جمهوری بیشتر در روابط قبلی جو بایدن با کرزی ارتباط می گیرد و آنهم از زمانیکه کرزی در دوره جارج دبلیو بوش چنان نزدیک در حلقه محافظه کاران جدید «نیوکان ها» مشهور به «عقاب ها» قرار داشت که بی گمان تصور می رفت که او یکی از آنهاست. اصلاً اینطور نبود، بلکه نیوکان ها می خواستند یکی از معتمدین خود را در افغانستان به قدرت برسانند که او مطیع آنها بود. و در واقع کلید همه اجراءات بدست «عقاب ها» قرار می داشت. توظیف زلمی خلیل زاد- یکی از این نیوکان ها به حیث سفیر امریکا در کابل و بعداً نماینده خاص رئیس جمهور بوش به همین مقصد بود که او صاحب کل اختیار و کرزی بنام باشد، چنانچه خلیل زاد «به همین دلیل در رسانه های داخلی و خارجی لقب «وایسرا» را حاصل کرد. در آن وقت جو بایدن سناتور پر قدرت حزب دیموکرات در سنای امریکا که رئیس کمیته روابط خارجی سنا نیز بود، کرزی را نفر خاص جمهوریخواه ها و آله دست آنها می دانست و چندان از موقف او خشنود نبود.

وقتی تیم اوبا ما و جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری امریکا موفق شدند و قبل از آنکه رسماً به کار شروع کنند، جو بایدن به افغانستان سفر کرد و با کرزی ملاقات نمود تا به او موقف حکومت جدید را در قبال افغانستان توضیح دهد. در این دیدار جو بایدن خواست به کرزی تفهیم کند که دیگر او کسی نخواهد بود که هر هفته با رئیس جمهور بعدی او با ما به تماس باشد. اطلاعات حاکی از آن است که در این دیدار حرف های جدی و شدید بین آنها تبادل شد، چنانچه بایدن در نیمه صرف غذا اتاق را ترک کرد. گفته می شود بعداً تقرر ریچارد هالبروک که یکی از نزدیکان بایدن بود به حیث نماینده خاص رئیس جمهور او با ما در امور افغانستان و پاکستان به توصیه بایدن مقرر شد.

هالبروک می خواست به نحوی از موفقیت کرزی به نفع یک کاندید دیگر (داکتر عبدالله عبدالله) جلوگیری کند و اما آیکن بیری سفیر امریکا و کای آیدی فکر می کردند که کسی دیگر غیر از کرزی چانس موفقیت ندارد لذا باید با کرزی کنار آمد و به شکلی او را راضی نگهداشت»

#### فصل هژدهم کتاب مترجم محترم محمد همایون هارونی.

صفحه ۴ پاراگراف دوم: کای آیدی گفته است: «هالبروک یک روز قبل از افتتاح کنفرانس هاگ یک جلسه مقدماتی را با من تقاضا کرد که دو نکته عمده را در اجندای خود داشت، اول چطور میتوان از شر احمد ولی برادر اندر کرزی که رئیس شورای ولایتی قندهار است و فوق العاده به فساد شهرت دارد، فارغ شد؟ من در قسمت ابراز موضع برادر اندر کرزی مشوره ندادم و دوم آیا هالبروک می تواند جلسه جداگانه را همراه وزیر خارجه ایران به تعقیب آن روز دایر نماید؟

من در قسمت ابراز موضع برادر اندر کرزی مشوره ندادم چون در گذشته مقامات بین المللی همچو اتهامات را به کرزی ابراز نمودند اما شواهد کافی وجود نداشت، در جواب عکس العمل کرزی همیشه آن بود، در صورتیکه شواهد برابم بدهید من اقدام می نمایم، در غیر آن اقدام نمی کنم و این جوابی است که به هالبروک داده خواهد شد، سر انجام سبب خشمگینی او گردیده و مذاکرات بی نتیجه خواهد ماند.

بقول کای آیدی، احمد ولی کرزی از سال هاست که معاش خور سی آی ای C'IA بوده یک تعداد زیاد مالکیت های او در قندهار از طریق اضلاع متحده به کرایه گرفته شده و او شریک و همدست واشنگتن است»

من در همینجا به نقل قول از کتاب کای آیدی نماینده سازمان ملل متحد در امور افغانستان اکتفا کرده و ارزشمندم موضع واقع بینانه وی و مک کریستال قوماندان آیساف و نقش منفی ریچارد هالبروک و جو بایدن معاون رئیس جمهور او با ما در مورد افغانستان و در ارتباط به انتخابات سال ۲۰۰۹ را در چنین فرصتی که انتخابات سال ۲۰۱۹ رایدهی آن پایان یافته و شاید از اکنون تا چند روز دیگر رای صحیح مردم از نادرست تشخیص شده و پس از شمارش آرا چگونگی آن اعلام گردد. شاید ارائه یک تصویری از گذشته در شناخت نسبی از نقش دولت های خارجی بخصوص دولت امریکا موثر باشد تا با در نظر داشت تجربه سال ۲۰۰۹ و از ساخت و بافت انتخابات سال ۲۰۱۴ که پنج سال «حکومت وحدت ملی» مشکلات و جنجال های را به همراه داشت بار دیگر مردم و شخص برنده واقعی انتخابات ۲۰۱۹ سال ۲۰۱۹ دچار سر در گمی و تسلیم به تشکیل حکومت بحران ساز نشوند.

بی جهت نیست در حالیکه کمیسیون مستقل انتخابات از نرسیدن بعضی صندوق های رای از و لسوالی ها به کابل و هنوز از آغاز نشدن شمارش دقیق رای مردم حرف می زند، یک تعداد کاندید ها از پیروزی و کامیابی خود سخن می گویند و یک تعداد هم حق و ناحق گله گذاری و پیش داوری می نمایند: مثلاً گلبدین حکمتیار گفته است اگر تقلب در کار نباشد من حتماً پیروز هستم. آقای امرالله صالح معاون اول کاندید از تیم «دولت ساز» گفته است: بر اساس احصائیه که به تیم دولت ساز رسیده است، مردم بین شصت تا هفتاد درصد به نفع این تیم رای داده اند. عجیب تر از همه اظهارات داکتر عبدالله است که گفته در دور اول برنده هستیم و می خواهیم از همین حالا تشکیل دولت بدهیم.



#### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و قلم بدست شناخته شده افغانستان را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

کمرنگی انتخابات بهتر است، از سیاه رنگی صلح طالبان  
barez\_naym\_kamrangi\_entekhaabaat.pdf